

بوعز و روت نمادی از مسیح و کلیسا

مطالعه متون مقدس: روت ۱: ۱۶-۱۷؛ ۲: ۱-۳، ۱۳-۱۶؛ ۳: ۹، ۱۲، ۱۵؛ ۴: ۱-۱۷، ۲۱-۲۲

۱. در آغاز و در پایان حکایت تاریخ اسرائیل از یوشع تا روت، دو شخص برجسته نمادهایی از مسیح اند؛ این اشخاص یوشع و بوعز می‌باشند که نشانگر دو جنبه از یک شخص هستند - یوشع ۱: ۱؛ روت ۴: ۲۱-۲۲:

آ. یوشع در ابتدا نمادی از مسیح است که مردم خدا را به برکات مقدر خدا آورد؛ همانطور که توسط یوشع نشان داده شده، مسیح ما را به سرزمین نیکو آورده، سرزمین نیکو را برای ما تصرف کرده، و سرزمین را به عنوان میراث ما برای مسرتمان سهم‌بندی کرده است؛ مسیح سرزمین را برای ما کسب نموده، و عاقبت، او برای ما سرزمین نیکوست تا از او مسرت ببریم.

ب. بوعز در پایان نمادی از مسیح به عنوان شوهرمان برای رضایت ماست.

۲. در کتاب روت، بوعز نمادی از مسیح در جوانب زیر است:

آ. به عنوان یک انسان، غنی در ثروت و سخاوتمند در بخشش (۲: ۱، ۱۴-۱۶؛ ۳: ۱۵)، بوعز نمادی از مسیح است، که ثروتهایش کاوش‌ناپذیر بوده و با تأمین فراوان خود از مردم نیازمند خدا مراقبت می‌کند (افسسیان ۳: ۸؛ لوقا ۱۰: ۳۳-۳۵؛ فیلیپیان ۱: ۱۹).

ب. به عنوان خویشاوندی که حق گم شده‌ی مایملک محلون را بازخرید کرده و بیوه محلون، روت، را برای تولید وارثان لازم، به زنی خود گرفت (۴: ۹-۱۰، ۱۳)، بوعز نمادی از مسیح است، که کلیسا را بازخرید کرده و کلیسا را همتای خود برای افزایش خویش ساخت (افسسیان ۵: ۲۳-۳۲؛ یوحنا ۳: ۲۹-۳۰).

پ. بر طبق کتاب روت، بوعز روت را بازخرید کرده و حق تولد [نخست‌زادگی] او را بازخرید نمود؛ از این رو، او از نیاکان قابل توجه مسیح شد - ۴: ۱-۱۷، ۲۱-۲۲؛ متی ۱: ۵-۶:

۱. شما به عنوان یک برادر و یک بوعز باید نه تنها از حق تولد خود بلکه از حق تولد دیگران در مورد مسیح مراقبت کنید؛ به عبارتی دیگر، شما باید مراقب نه تنها مسرت خودتان از مسیح، بلکه مراقب مسرت دیگران از مسیح باشید - افسسیان ۳: ۲؛ اول پطرس ۴: ۱۰-۱۱؛ متی ۲۴: ۴۵-۴۷.

۲. فرض کنیم بعضی از عزیزان در زندگی کلیسایی همانند روت شده، مسرت از حق تولدشان، یعنی مسرت از مسیح، را از دست بدهند؛ ما باید تعدادی بوعز در زندگی کلیسایی داشته باشیم که این مقدسین عزیز را به مسرت بردن از مسیح بازگردانند.

۳. کتاب روت به ما می‌گوید که خویشاوند دیگری حتی به روت نزدیکتر از بوعز بود، ولی آن شخص خودخواه بود، او فقط مراقب حق تولد خویش بود:

(آ) برخی از برادران باید از کسانی که در زندگی کلیسایی همچون «روت‌های» فقیر هستند مراقبت کنند، ولی آنها در مسرت روحانی از مسیح، خودخواه هستند - حزقیال ۳۴: ۲-۲۳.

(ب) کسی که یک بوعز واقعی بوده و در مسرت بردن از مسیح غنی است، بها را خواهد پرداخت تا چنین ایماندارانی را به مسرت کامل از مسیح آورد؛ با شبانی کردن دیگران بدین ترتیب، او دارای مسرت بیشتری از مسیح، حتی بیشترین مسرت از مسیح، خواهد بود؛ روز به روز ما باید مراقب مسرت بردن دیگران از مسیح باشیم - امثال ۱۱: ۲۵؛ اعمال ۲۰: ۳۵؛ اول پطرس ۵: ۱-۴.

ت. کسانی که همچون بوعز می‌شوند، ستون‌هایی در کلیسا هستند (یکی از ستون‌های معبد «بوعز» نام داشت - اول پادشاهان ۷: ۲۱)؛ در متون مقدس، ستون یک نشانه، یک شهادت، از بنای

خدا از طریق دگرگونی در تمرین حیات بدن است - پیدایش ۲۸: ۲۲آ؛ اول پادشاهان ۷: ۱۵-۲۲؛
غلاطیان ۲: ۹؛ اول تیموتائوس ۳: ۱۵؛ مکاشفه ۳: ۱۲؛ رومیان ۱۲: ۲؛ افسسیان ۴: ۱۱-۱۲؛
۱. کسانی که در زندگی کلیسایی ستون هستند مدام تحت داوری خدا (برنج) بوده، پی می‌برند که
آنها افرادی در جسم هستند که لایق هیچ چیز بجز مرگ و تدفین نیستند - مزامیر ۵۱: ۵؛
خروج ۴: ۱-۹؛ رومیان ۷: ۱۸؛ متی ۳: ۱۶-۱۷؛

(آ) ما باید خودمان را به عنوان هیچ و فقط لایق مصلوب شدن قضاوت کنیم؛ هرچه
هستیم، با فیض خدا هستیم، و این ما نیستیم که کار می‌کنیم بلکه فیض خداست -
اول قرنتیان ۱۵: ۱۰؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ اول پطرس ۵: ۵-۷.

(ب) علت هم تفرقه و هم بی‌ثمر بودن در بین ایمانداران این است که هیچ برنجی، یعنی
هیچ چیز از داوری خدا وجود ندارد؛ در عوض، تکبر، خودستایی، خودنمایی، توجیه
خود، تأیید خود، بهانه برای خود، خود درست-بینی، محکوم کردن و تنظیم کردن
دیگران به جای شبانی کردن و جستجوی آنها وجود دارد - متی ۱۶: ۲۴؛ لوقا ۹: ۵۴-
۵۵.

(پ) وقتی که ما عاشق خداوند بوده و او را به عنوان مردی با منظری برنجین تجربه می‌کنیم
(حزقیال ۴۰: ۳)، او محبت، بردباری بی حد، امانت بی نظیر، فروتنی مطلق، خلوص
کامل، قدوسیت و صداقت [عدالت] اعلی، و روشنی و درستکاری ما می‌شود - فیلیپیان
۴: ۵-۸.

۲. بر تاجهای سر ستونها «شبهه‌ای از تارهای به هم بافته به صورت رشته زنجیر» وجود
داشت؛ این دلالت دارد بر وضعیت‌های پیچیده و مخلوط، که کسانی که در بنای خدا ستون
هستند در آن زندگی کرده و حامل مسئولیت می‌باشند - اول پادشاهان ۷: ۱۷؛ دوم قرنتیان
۱: ۱۲؛ ۴: ۷-۸.

۳. برگرد هر یک از شبکه‌ها سوسن و انار بود - اول پادشاهان ۷: ۱۸-۲۰؛
(آ) سوسن‌ها نشانگر یک زندگی با ایمان به خداست، یک زندگی که نه با آنچه ما هستیم
بلکه با آنچه خدا برای ما هست، زیست می‌شود؛ برنج به معنای «نه من»، و سوسن
به معنای «لیک مسیح» است - غزل غزلها ۲: ۱-۲؛ متی ۶: ۲۸، ۳۰؛ دوم قرنتیان ۵:
۴؛ غلاطیان ۲: ۲۰.

(ب) انارها در ردیفها گرد هر تاج دلالت دارد بر پُری، وفور و زیبایی، و ابراز غنای مسیح به
عنوان حیات - فیلیپیان ۱: ۱۹-۲۱آ؛ افسسیان ۱: ۲۲-۲۳؛ ۳: ۱۹.

(پ) از طریق تارهای به هم بافته و محدودیت رشته زنجیر، ما می‌توانیم یک زندگی خالص و
ساده از اعتماد کردن به خدا جهت ابراز غنای حیات الهی مسیح برای بنای خدا در
حیات، داشته باشیم.

۳. در این داستان روشن و معطر، روت نمادی از کلیسا در جوانب زیر است:

آ. روت، که زنی در آدم در خلقت خدا، و یک موآبی (یک گناهکار) در سقوط انسان بوده، و از این
رو انسانی کهنه با این دو جنبه بود، نمادی از کلیسا قبل از نجاتش است، به عنوان انسانهایی در
خلقت خدا و گناهکاری در سقوط انسان که «انسان کهنه ما» است - رومیان ۶: ۶.

ب. روت، که بیوه شوهر مرحومش بود، توسط بوغز بازرخرد شد، همان کسی که قرض شوهر
مرحومش را به جهت بازبایی حق از دست رفته اموال او، داد (روت ۴: ۹-۱۰)، نمادی از کلیساست
با انسان کهنه روت به عنوان شوهر مصلوب شده‌اش (رومیان ۷: ۴آ؛ ۶: ۶)، که توسط مسیح
بازخرد شد، آن که گناه انسان کهنه او را برای بازبایی حق از دست رفته انسان طبیعی خلق شده
و سقوط کرده (پیدایش ۱: ۲۶؛ اشعیا ۵۴: ۵)، پاک کرد (یوحنا ۱: ۲۹).

پ. روت، پس از بازرخرد شدن توسط بوغز، برای او همسری جدید شد (روت ۴: ۱۳)؛ این نمادی از

کلیساست که پس از نجات، از طریق تولد تازه انسان طبیعی کلیسا (یوحنا ۳: ۶) تبدیل به همتای مسیح می‌شود (آ. ۲۹؛ رومیان ۷: ۴).

ت. روت، که ترجیح داد از پی نعو می به سرزمین اسرائیل برود (روت ۱: ۱۶-۱۷) و با بوغز متحد شد، نمادی از گناهکاران غیر یهودی است که به مسیح متصل شده‌اند تا از میراث موعود خدا برخوردار شوند (افسیان ۳: ۶).

۴. تصویر بوغز (نمادی از مسیح به عنوان شوهرمان) و روت (نمادی از کلیسا با انسان کهنه او به عنوان شوهر مصلوب شده‌اش) توسط پولس در رومیان ۷: ۱-۶ بیان شده است:

آ. موقعیت [جایگاه] اصلی انسان در خلقت خدا، موقعیت یک همسر [زن] بود؛ اشعیا ۵۴: ۵ می‌گوید که خدا به عنوان خالق ما، شوهرمان است؛ ما به عنوان همسر خدا باید بر او تکیه کرده و او را به عنوان سرمان برگیریم.

ب. وقتی که انسان سقوط کرد، موقعیت دیگری برگرفت، او موقعیت فرضی [خود-فرض] انسان کهنه را برگرفت (همان وجود ما که توسط خدا خلق شد ولی از طریق گناه سقوط کرد)؛ انسانی که توسط خدا خلق شد یک همسر [زن] بود، ولی انسان سقوط کرده از خدا مستقل شد و خودش را به عنوان شوهر، سر کرد.

پ. از آنجا که انسان کهنه ما، که شوهر کهنه بود، با مسیح مصلوب شده است (رومیان ۶: ۶)، ما از شریعت او آزادیم (۷: ۲-۷) و به شوهر جدید، مسیح به عنوان آن که همیشه زنده است، پیوسته-ایم.

ت. ما به عنوان ایمانداران، دو مقام داریم:

۱. ما مقام کهنه خود را به عنوان انسان کهنه سقوط کرده داریم، که موقعیت اصلی یک همسر، که تکیه بر خداست، را ترک کرد و موقعیت فرضی یک شوهر و سر را برگرفت، که از خدا مستقل است.

۲. ما مقام نوین خود را به عنوان انسان نوین تولد تازه یافته داریم، که به موقعیت اصلی و شایسته به عنوان همسر واقعی برای خدا، بازسازی شده (اشعیا ۵۴: ۵؛ دوم قرنیتیان ۱۱: ۲-۳)، بر او اعتماد می‌کنیم و او را به عنوان سرمان برمی‌گیریم.

ث. ما دیگر مقام کهنه شوهر را نداریم، زیرا مصلوب شده‌ایم (غلاطیان ۲: ۲۰؛ رومیان ۶: ۶)؛ اکنون ما فقط دارای مقام نوین یک همسر شایسته هستیم، که مسیح را به عنوان شوهرمان برمی‌گیریم و دیگر بر طبق انسان کهنه زندگی نمی‌کنیم (دیگر انسان کهنه را به عنوان شوهرمان بر نمی‌گیریم).

ج. در رومیان ۷: ۴ پولس یک ختم و یک عروسی را با هم قرار می‌دهد؛ از یک سو، ما دفن شدیم؛ از سوی دیگر، ازدواج کردیم؛ ما بر طبق مقام کهنه خود کشته شدیم تا بر طبق مقام نوین خویش با شخصی دیگر وصلت کنیم؛ ما بر حسب مقام نوین خود، با آن که از مردگان برخیزانیده شده وصلت می‌کنیم تا برای خدا ثمر آوریم.

چ. انسان کهنه ما، شوهر کهنه ما، با مسیح مصلوب شده است، تا ما بتوانیم «با شخصی دیگر وصلت کنیم، یعنی با او که از مردگان برخیزانیده شد، تا برای خدا ثمر آوریم» (آ. ۴)؛ این وصلت نشان می‌دهد که ما در مقام نوین خود به عنوان یک همسر، در شخص، نام، حیات، و وجود، با مسیح در رستاخیز او، دارای یک وحدت اورگانیک هستیم.

ح. ما به عنوان انسان نوین تولد تازه یافته و همسر مسیح، حالا هرآنچه هستیم و هر کاری که انجام می‌دهیم به خدا ارتباط دارد، و خدا به عنوان ثمر، یعنی لبریز شدن حیات ما، توسط ما به ثمر می‌رسد؛ این بر خلاف ثمر آوردن برای مرگ است (آ. ۵) که قبلاً توسط ما به عنوان انسان کهنه، شوهر کهنه، انجام می‌شد.

خ. ما اکنون به مسیح رستاخیز کرده به عنوان روح حیات بخش در روحمان، پیوسته‌ایم؛ این پیوستن آن «روح... با روح ما» (۸: ۱۶) به عنوان «یک روح» (اول قرنیتیان ۶: ۱۷) است:

۱. ما باید کل وجودمان را به این روح پیوسته بازگردانیم و بر آن متمرکز باشیم - رومیان ۸: ۶.
۲. ما همچنین باید بر طبق این روح پیوسته زندگی کرده و سلوک کنیم - آ. ۴.
۳. وقتی که ما بدین صورت در این روح پیوسته زیست می کنیم، می توانیم بدن مسیح را زیست کنیم تا برای جلال خدای سه یکتا، ابراز جمعی مسیح شویم - افسسیان ۱: ۲۳؛ ۳: ۲۱؛ اول قرننتیان ۱۰: ۳۱؛ اول پطرس ۴: ۱۱؛ مکاشفه ۲۱: ۱۰-۱۱.